

عصر طلایی هنر «کتاب آرای» ایران تاملی بر تذهیب مصحف در خاندان «وراق غزنوی» (قرون چهارم و پنجم هجری)

کیانوش معتقدی

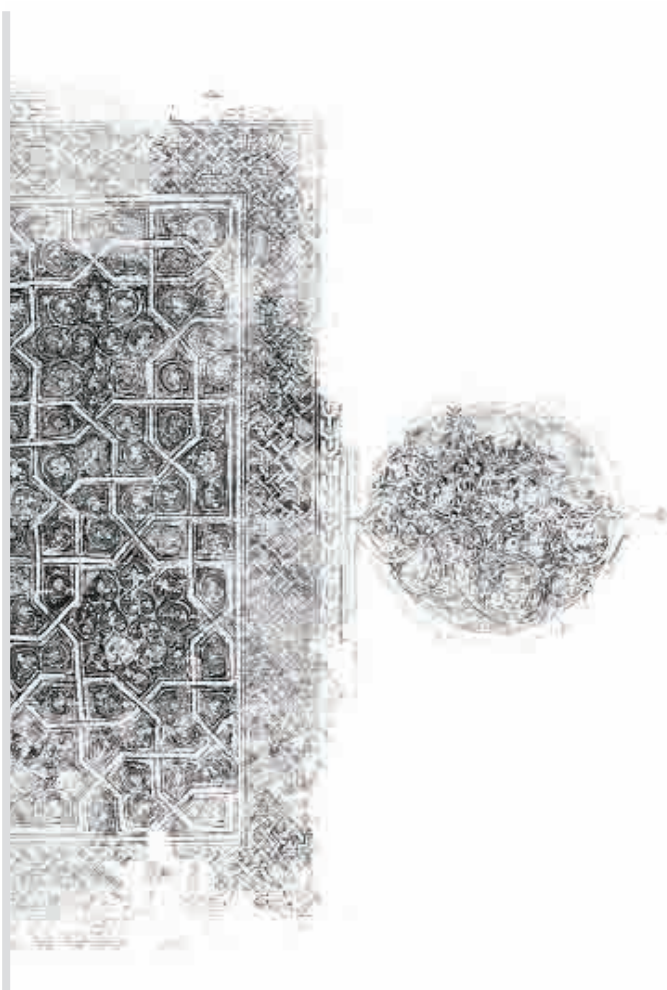
چکیده:

خراسان مرکز هنری فعال ایران در عصر سامانی و غزنوی بود. هنر این دوره ها خود بر پایه شیوه های کهن (ساسانی و مانوی) منطقه استوار بود. در سایه حاکمان هنرپرور سامانی و غزنوی هنرمندان خلاق در زمینه های مختلف در رشته هایی همچون کتاب آرای، کتابت، معماری و صنایع دستی، دست به خلاقیت و آفرینندگی زدند که برخی از آثار درخشان آن دوران تا کنون به جا مانده است.

شیوه کتابت با خط کوفی در قرآن های این دوره، تنها محدود به یک شیوه خاص نبود بلکه از سوی هنرمندان مختلف سبکهای جدیدی آزموده می شد. از آن جمله در زمینه تذهیب، شیوه جدیدی از سوی خاندان «وراق غزنوی» عرضه شد که تا یک قرن بعد نیز مورد تقلید و پیروی دیگران قرار گرفت. بررسی علل شکل گیری و شکوفایی این شیوه، خود فرصتی است تا از این رهگذر بتوانیم نسبت به درک و تجزیه و تحلیل ویژگی های شیوه های خوشنویسی و تذهیب در این دوره نیز نگرشی تازه کسب کنیم.

بررسی جایگاه و ویژگیهای تذهیب در این دوره که در قالب شکل های هندسی و گیاهی در تزئین نسخ قرآنی مورد استفاده بود و همچنین نوع ترکیب بندی، فنون اجرایی و فرم نقوش موجود در شیوه عثمان بن وراق و مقلدینش از دیگر مسائلی است که در این فرصت به آن خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی: خراسان، خوشنویسی، تذهیب، هنر سلجوقیان، هنر غزنویان، مصحف، قرآن نگاری، محمد بن عثمان غزنوی.



مقدمه

درباره تاریخ و فرهنگ منطقه خراسان بزرگ در سده های نخستین اسلام آگاهی کمی در دست است. در آغاز این سرزمین وسیع را حکامی اداره می کردند که از سوی بغداد اعزام می شدند. اما با آغاز قرن سوم هجری حکام ایرانی همچون طاهریان (۲۰۶-۲۵۹ ه.ق)، سامانیان (۲۰۴-۳۹۵ ه.ق) و صفاریان (۲۵۳-۳۲۴ ه.ق) بر بخش اعظم این سرزمین حکم می راندند. پیوند میان مراکز اسلامی مهم تشیع در ایالت وسیع خراسان، به ویژه چهار شهر نیشابور، مرو، هرات، بلخ، و شهرهایی همچون بخارا و سمرقند باعث اعتلای فرهنگ اسلامی در این سرزمین گردید.

وجود دو جریان متناقض، و همزیستی آنها در قرون متمادی همواره از ویژگی های حیات فرهنگی خراسان به شمار می رود. یکی فرهنگ اسلامی که در رابطه نزدیک با خلفای بغداد بود و دیگری فرهنگ خاص ایرانی که به واسطه رسمیت یافتن زبان فارسی جدید و ظهور نخستین اشعار فارسی پدید آمد. این همبستگی و آمیختگی فرهنگی از سویی و ذوق و سلیقه هنرمندان ایرانی از سوی دیگر باعث گردید تا پیشرفت های عظیمی در عرصه هنر و فرهنگ ایرانی در منطقه خراسان بوجود آید و در گذر قرن ها به غایت پختگی و تکامل برسد. سرزمین خراسان پس از سقوط دولت ساسانی و با آغاز دوران اسلامی مرکز هنر و ادب ایرانی گردید. فرهنگ کهن ایرانی نه تنها با شکست ساسانیان از بین نرفت، بلکه به مدد نیروی معنوی اسلام تقویت شد. چرا که در واقع می توان هنر اسلامی ایران را تلفیقی از سنت های فرهنگ اسلامی و تمدن کهن ایرانی دانست.

در حقیقت چیزی بیش از دو قرن طول کشید تا شکل و قالب تازه تدوین شود. اما اگر دقیق شویم، تداوم «روح» هنر ایرانی را می توان در این پیشرفت ها شناسایی کرد. روح ملی گرایی ایرانیان در شرقی ترین ناحیه ایران نضج گرفت. این منطقه در روزگار سامانیان ارتباط تنگاتنگی با اقوام ترک ماوراءالنهر در طول سده چهارم هجری قمری/دهم میلادی برقرار کرد و روابط بازرگانی با چین به اوج خود رسید و بازرگانان چینی در سمرقند مستقر شده بودند و اقوام اویغوری که آیین مانوی داشتند نیز در آنجا می زیستند. در این ناحیه بود که اساطیر ایرانی منبع الهام شاعرانی همچون فردوسی گردید. همچنین هنرهای بودایی و مانوی از آسیای میانه و مرزهای چین بر هنر این منطقه بی تاثیر نبود. به علاوه، گروه هایی از مسیحیان در گوشه و کنار ایران به ویژه در ری و آذربایجان پراکنده شده و مورد حمایت خلفای عباسی و پیش از

آنها پادشاهان ساسانی قرار داشتند و مسلمانانی با این گروه های مسیحی، اعم از ساکنان محلی یا آنهایی که از سوریه و آناتولی می آمدند، داد و ستد فرهنگی داشت. آغاز قرن چهارم هجری مصادف بود با حکومت، خلفای عباسی در بغداد، آل بویه در مرکز و جنوب ایران، سامانیان در خراسان و ماورالنهر، غزنویان در بخش هایی از خراسان. این حکومت ها که گاه بصورت همزمان با یکدیگر در نقاط مختلف ایران حکم می راندند، هر کدام به گونه ای حامی هنر و هنرمندان بودند. از جمله مهمترین هنرهای مورد توجه سلاطین این حکومت ها معماری (کاخ ها، مساجد، مقابر) بود. قرن چهارم هجری، همچنین قرن علم و ادب، هنر و سیاست در عالم اسلام بوده است. دانشمندان بزرگی همچون بوعلی سینا، رازی، ابن ندیم، سیبویه و... در این روزگار زیسته اند. خراسان در عهد حکومت سامانیان، مهد علم و ادب بود. در این قرن ادیبان و کاتبان فراوانی می زیستند، به همین مناسبت خوشنویسی و تذهیب نیز رشد و پیشرفت فراوانی کرد.

آغاز دوره سلجوقی، همزمان است با فتوحات سلاجقه در اوایل قرن پنجم هجری، که تا استقرار ایلخانان در اواسط قرن هفتم هجری ادامه یافت. تولیدات و محصولات هنری دوره سلجوقی، در شکل گیری و الگوپذیری نهایی هنر اسلامی در ایران و دیگر سرزمین های اسلامی، اهمیتی اساسی داشت، به همین علت عصر سلجوقی را می توان عصر ابداعات هنری دانست.

سلجوقیان قبیله ای از ترکان «اغوز» بودند، که نام خود را از «سلجوق» یکی از روسای خود گرفتند. که نسب سلجوقیان به «سلجوق بن دقاق» می رسد. آنان طایفه ای بودند از ترکمانان غز و خزر که در روزگار سامانیان در دشت های خوارزم و سواحل دریای خزر در آن سوی رود جیحون سکونت داشتند.

آنان پس از گرایش به اسلام، خود را از تنه اصلی اغوزها جدا ساختند. سلجوقیان در سال ۴۳۱ ق کل خراسان و سپس ری و اصفهان را، تصرف کردند. طغرل رهبر آنها در سال ۴۴۷ ق وارد بغداد شد، و پس از او آلپ ارسلان برادرزاده و جانشین اش، آذربایجان، شمال بین النهرین و سوریه را تصرف کرد و در ۴۶۳ ق در ملازگرد بر امپراطور بیزانس غلبه کرد و راه رخنه سلاجقه به آناتولی را گشود. اما در دوره سلجوقی نیز کار کتابت و تذهیب قرآن ها همچون گذشته پیشرفت زیادی کرد و نقوش ساده هندسی جای خود را به نگاره های گیاهی داد. تزئینات «طوماری شکل» از ویژگی های تذهیب این دوره به شمار می رود. کتیبه سر سوره ها که قبلاً به خط کوفی



و رفته رفته کاغذ را جانشین چرم و پوست کردند. در دوره سلجوقیان (۴۲۹-۵۵۲ ق) در فن کتاب سازی و کتاب آرایی دگرگونی‌هایی اساسی پدید آمد که حاصل تغییر قطع کتاب از افقی به عمودی.

از طرفی، شکوه و زیبایی معماری ایران به ویژه در دوران اسلامی، به تزئین و آرایش آن بستگی دارد. معماری اسلامی تزئیناتی چون آجرکاری، گچ بری، کاشی کاری، حجاری، منبت کاری، آیینه کاری و نقاشی در تمامی ادوار اسلامی رواج داشته و در هر دوره با امکانات آن روزگار پیشرفت کرده است. هنرمندان این رشته از هنرهای اسلامی با بهره گیری از انواع نقوش، نظیر نقوش و طرح های گیاهی، هندسی و خوشنویسی بر روی انواع مصالح ساختمانی به معماری ایران اهمیت ویژه ای بخشیده اند.

بر این اساس با تأملی بر سیر نقوش تزئینی در آثار هنری ایران، از پیش از اسلام تا عصر سلجوقی، می توان این گونه دریافت کرد که، هنرمندان (در قرون اولیه اسلام) برای تذهیب نسخ، از نقوش موجود در معماری الهام گرفتند؛ تعدد استفاده از نقوشی همچون نخلک، بال پرده، گل نیلوفر و دیگر اشکال گیاهی و نباتی، در آثار هنری این دوره گواهی بر این ادعاست. اما با آغاز عصر سلجوقی و ایجاد تحولاتی در نوع ترکیب بندی مصحف ها، و همچنین تکامل اسلیمی و ابداع خطوط جدید، این بار معماران و طراحان ابنیه بودند که فرم ها و عناصر موجود در تذهیب را دستمایه کار خود قرار دادند. در ادامه و در تزئین بناهای عصر ایلخانی، اوج شکوفایی و تکامل این نقوش در زمینه گچبری و آجرکاری مساجد، مقابر و برج ها، و کاروانسراها قابل مشاهده است.

نوشته می شد، از دوره سلجوقی به بعد با خطوط کوفی تزئینی، ثلث و نسخ و به رنگ های طلایی، لاجورد و سفیدآب تنوع یافت. در حقیقت، شیوه شاخص تذهیب سلجوقیان را می توان در آثار تولید شده از سده پنجم و پس از آن مشاهده کرد. در این سده خراسان برترین و بزرگ ترین مرکز خوشنویسی و تذهیب بود. نمونه بارز آن مصحفی به خط «ابوالقاسم بن سعید بن ابراهیم بن عالم بن ابراهیم بن صالح» به تاریخ ۴۲۷ ق است که کاتب خود، کار تذهیب اثر را انجام داده و در پایان نسخه تصریح کرده که خوشنویسی و تذهیب را در «دامغان» و «نیشابور» آموخته است. همچنین مصحفی سی پاره به خط و تذهیب «عثمان بن حسین وراق» از سده پنجم هجری، (۴۶۶-۴۶۲ ق) به جا مانده که از نسخه های بسیار نفیس ترین این دوره به شمار می رود.

گفتنی است، یکی از معروفترین و کهن ترین نسخه های شاهنامه فردوسی که تاکنون شناسایی شده از آثار تولید شده در دوره سلجوقیان است. این نسخه را مهدی غروی با عنوان «شاهنامه کاما» معرفی کرده و همو و مجتبی مینوی بر تولید آن در دوره سلجوقی اتفاق نظر دارند.

حکومت سلجوقیان تا روزگار سلطنت سلطان سنجر، در خراسان و ماوراءالنهر ادامه یافت. اما این مناطق در سال ۵۵۲ ق تحت سلطه یک سلسله ترک نژاد دیگر، یعنی خوارزمشاهیان قرار گرفت تا اینکه در ۶۱۶ ق در مقابل تهاجم ایلغار مغول از پای درآمد.

گفتنی است، با گسترش فتوحات اسلامی در اواخر قرن دوم، مسلمانان کاغذسازی را از اسراء چینی در شهر سمرقند آموختند



تصویر ۱۰۲: دو صفحه از مصحفی به خط کوفی ایرانی، با تزئینات اسلیمی در متن و گره سازی در حاشیه، قرن پنجم هجری، کتابخانه چسبزینی دویلین

بن حسین وراق که مجموعه ای از خوشنویسی، و تذهیب است نشان دهنده رواج شیوه ای نو، در کتاب آرایی عهد سلجوقی، به شمار می رود. با آغاز عصر سلجوقی نقوش رایج در هنر فاطمیان و ایوبیان مصر دستمایه کار مذهبان قرار گرفت، و بیش از پیش تکامل یافت و در ادامه با تجلی در شکل «ستاره چند گوش» در مصحف های عهد ایلخانان و مملوک به اوج خود رسید. همچنین علاوه بر طرح ستاره چند گوش، در دیگر نقوش هندسی صفحات آغازین نیز تغییراتی رخ داد، که فاقد حالت گریز از مرکز بود. در طرح تذهیب قرن پنجم، نقوشی همچون نخلک و حاشیه های آراسته به چرخش های گل و برگ - که ریشه در هنر پیش از اسلام داشت - همچنان مورد توجه مذهبان بود.



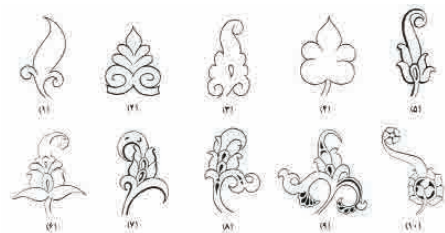
تصویر ۵. کتیبه مذهب حاشیه یک مصحف، ایران، ۴۸۵ ق، موزه توپکاپی استانبول، ترکیه

در قرون اولیه اسلامی خاندان های بزرگ ایرانی مانند خاندان سامانی، چغانی، فریغونی، شاهیه خوارزم، مامونیان آن ولایت، زیاریان و باوندیان و بویان دیلم سراسر ایران را زیر سیطره خود داشته و به رسم نیاکان خود در تشویق دانشمندان، شاعران و هنرمندان کوشا بودند. به کوشش آنان بود که ادب فارسی عالمگیر شد و آثار گرامیهای جاویدان در دانش و ادب پدید آمد. این دوره بارور از اواخر قرن سوم هجری آغاز شد و در میانه قرن پنجم هجری پایان پذیرفت. یک قرن و نیم از تاریخ ایران که بعد از این دوران آمد میراث خوار آن عهد بود. گفتنی است که علی رغم رسوخ زبان عربی در فرهنگ و زبان ایران (پس از اسلام)، با آغاز قرن چهارم هجری یک نهضت ملی در ایران آغاز گردید، که یکی از نتایج مهم آن تجدید حیات زبان فارسی و به کارگیری آن در ادبیات ایران بود. در همین راستا بود که فردوسی بزرگترین کتاب تاریخ ایرانیان، شاهنامه را که شرحی از حوادث تاریخی (اعم از افسانه و حقیقت) و فرهنگ شهامت و مردانگی ملت ایران بود سرود. از این دوره به بعد بود که، توجه هنرمندان و پادشاهان در مقام مهمترین حامیان نسخ ادبی سبب شد تا تهیه نسخه های مختلف شاهنامه در دوره های بعد نیز، رواج پیدا کند. گفتنی است، خط کوفی و تذهیب در مصحف های عهد سلجوقی به حداکثر رشد و ترقی رسید. مثلاً مصحفی در موزه بریتانیا نگهداری می شود، که در بردارنده چند صفحه مذهب عالی است، که تزئینات طوماری شکل و



تصویر ۳. گچ بری مسجد «نه گنبد» در شهر غزنه، دوره غزنویان، افغانستان

همچنین آثار بسیار نفیسی در زمینه های سفال و فلز بر جای مانده که نشانگر رونق این هنرها، در کنار کتاب آرایی بوده، و نفوذ طرح ها و ترکیب بندی های تذهیب و نقاشی را بر بدنه ظروف سفالین و آثار فلزی این دوره، به وضوح می توان مشاهده کرد.



تصویر ۴. نقوش گل و اسلیمی به کار رفته در معماری پیش از اسلام که در تذهیب نسخ اسلامی نیز کاربرد داشت

خوشنویسی و تذهیب مکتب خراسان در عصر سلجوقی: خوشنویسی و تذهیب در دوره سلجوقی که پس از ویرانگری مغولان فقط نمونه های معدودی از آن باقی مانده، نظیر دیگر قالب های هنری این دوره، از ساختاری منسجم و ترکیب بندی اصولی برخوردار بوده است. آثار مهمی همچون خمسه نظامی، مفید الخاص از محمد بن زکریای رازی و شاهنامه کاما و مصحف سی پاره عثمان

دیگری کتابی به زبان عربی کتابت شده به سال ۵۰۲ق، روزگار سلطنت محمد پسر ملک‌شاه سلجوقی، از مجموعه یادشده، به لحاظ تذهیب شایان توجه هستند.



تصویر ۷. شیوه تذهیب در عهد سلجوقی، مجموعه خصوصی

شیوه رایج عهد سلجوقیان را دارد، و آن را «ابوالقاسم بن ابراهیم» به تاریخ جمادی الاول سال ۴۲۷ ق کتابت و تذهیب کرده است.



تصویر ۶. مصحفی به خط نسخ اولیه برکاغذ، شیوه ابن بواب، اواخر قرن چهارم هجری

گفتنی است در برخی از دست نوشته ها مذهبان، برای تزئین از تکرار قرینه وار طرح در صفحات روبروی هم، بهره جسته اند، که به رغم ترکیبی مستقل درون هر یک از چارچوب های کلی، تکرار آینه وار را در ذهن بیننده تداعی می کند. بارزترین ویژگی آن، اهمیت استفاده از اشکال هندسی، خصوصاً نقش دایره در طرح سراسری صفحه است. همچنین، مذهبان در این دوره طلا را به صورت ورقه هایی نازک و با چسب (صمغ) در محل تذهیب می چسباندند، و سپس نقوش را روی آن قلم گیری می کردند. در این میان، گاه از رنگ های سبز و لاجورد و سیاه نیز برای کشیدن شرفه بهره می بردند. این شیوه استفاده از ورقه طلا تا قرن ها در میان مذهبان مرسوم بود. در این روش هنرمند می بایست طرح ها و نقوش را به صورت بداهه و بدون الگو برداری دهد همین امر سبب شده بود تا جزئیات نقوش آن طور که باید قرینه نباشد.

همچنین از اواخر قرن چهارم هجری بود که گره سازی که ترکیبی زنجیروار از نقطه و خط بود، همچون عنصری اساسی در تذهیب به کار رود. این عنصر در قرون بعدی بسیار مورد توجه مذهبان دیگر قرار گرفت و همواره به صورت کمندی زنجیروار دور تا دور کتیبه ها و سر لوحه ها به کار گرفته شد.

از این زمان به بعد بود که در کتیبه های صفحه افتتاح مصحف ها نام سوره، تعداد آیات و محل نزول آن به همراه آیه ای که بر لزوم طهارت هنگام لمس قرآن تاکید

کاتبان تا اوایل قرن چهارم هجری مصحف ها را بر پوست کتابت می کردند. تذهیب این مصحف ها غالباً ساده و ابتدایی است اما به تدریج با تغییراتی که در شیوه کتابت خط کوفی در قرن چهارم هجری پدید آمد تذهیب نیز تحول یافت و نقش و نگارهای پیچیده تر در آن به کار گرفته شد.

در این دوره، برای تذهیب نسخ ابتدا دور نوشته را خط کشی (جدول کشی) می کردند و سپس بیرون این جدول ها را با اسلیمی می آراستند. استفاده از اسلیمی در اطراف متن و شکل های درهم تنیده در زمینه کتیبه ها در تلفیق با شمس و ترنج- که اغلب درون آنها اشکالی قرینه و هندسی جای داشت- خود فرصتی بود، تا هنرمندان عهد سلجوقی به تذهیب مصحف ها تنوع بخشند. ترکیب رنگی تذهیب در این دوره دستخوش تغییرات شایان توجهی بوده است؛ استفاده از رنگ «قرمز عقیقی» بر زمینه طلا، ترکیب جدیدی بود، که در کنار رنگ هایی همچون لاجورد و سبز زنگاری و سیاه، ترکیبی چشم نواز پدید می آورد. از این دوره مصحفی معروف به «مصحف بُست» در مخزن عربی کتابخانه ملی فرانسه محفوظ است که در سال ۵۰۵ ق احتمالاً در کارگاه سلطان محمود غزنوی کتابت گردیده، که چند سرلوح مختلف دارد که تزئینات آن اسلیمی، سرلوح با سه دایره و یک بیضی و دو دایره است. تذهیب پیچیده و متنوع در این نسخه به حد انکار ناپذیری به بلوغ رسیده است. همچنین دو نمونه یکی قانون مسعودی بیرونی و



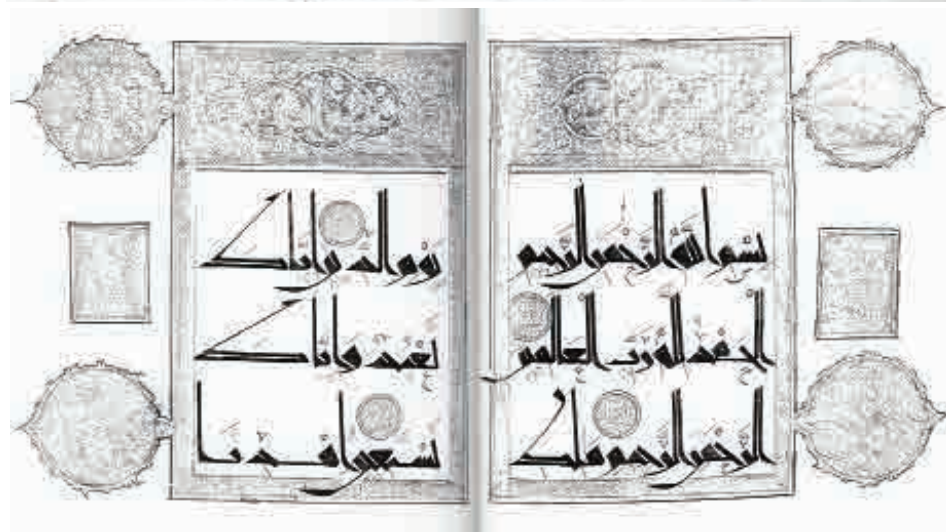
جلی و طلا نویسی تحریر گردیده است. اطراف آن را با گره سازی و یک ترنج در پهلوی تزئین کرده اند. تاریخ تحریر جزوات از ۴۶۲ ق یعنی اواخر سلطنت آلپ ارسلان (۴۵۵ - ۴۶۵ ه.ق.) تا ۴۶۶ ق نخستین سال سلطنت ملکشاه سلجوقی بوده است. کتابت و تذهیب این مصحف پنج سال زمان برده است. در آغاز هر جزو این مصحف دو صفحه تمام مذهب

می کنند در ترنج کتیبه ها و یا صفحات مذهب قبل از شروع آیات، با خط کوفی تزئینی، و به رنگ سفید یا طلا نوشته و همانند سرسوره ها قلم گیری می شد. از هنرمندان مذهب روزگار سلجوقی و غزنوی می توان از «عبدالرحمن بن محمد دامغانی»، «عثمان بن حسین بن ابوسهل وراق»، «محمد بن عثمان»، «ابوالقاسم بن ابراهیم»، و مذهب با رقم «جمال» یاد کرد.

تصویر. کتیبه سرسوره مصحفی به خط و تذهیب محمد بن عثمان ۶۱۴ ق، موزه آستان قدس رضوی



تصویر. آغاز جزء اول، سوره فاتحه الکتاب، خط و تذهیب عثمان بن وراق، قرن پنجم هجری، موزه آستان قدس رضوی

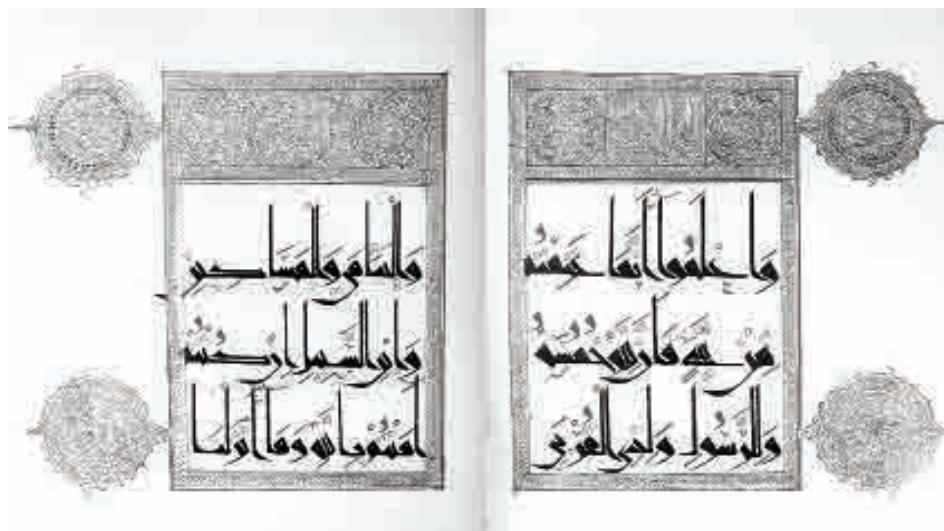


متقابل کارکرده اند، که طرح آن با جزوات دیگر متفاوت است. همچنین سرسوره ها را به خطوط مختلف کتابت کرده اند. همچنین «بسم الله» را به چند نوع کوفی (گلداز و تزئینی) نوشته و علامات تشدید، مد، و همزه به رنگ سبز (سیلو) زنگاری، نقطه ها طلایی و علامت سکون دایره ای لاجوردی رنگ ترسیم گردیده است. در حاشیه متن، شکل ترنج های طلایی با نقوش متفاوت و طرح های بدیع برای تقسیمات «ده تایی» آیات، کشیده شده است.

در ترنج های کناری مصحف عثمان، همواره ردیفی از اسلیمی های چند پر به همراه نوار زنجیروار سفید رنگ ظریف، که بدون شک شیوه خاص او (ترسیم نقوش سفید رنگ بر زمینه طلا) در تزئین ترنج حاشیه بوده است.

تأملی بر شیوه تذهیب عثمان بن حسین وراق غزنوی ابو عمرو عثمان بن حسین بن ابوسهل وراق غزنوی از خوشنویسان و مذهب زبردست قرن پنجم هجری و معاصر آلپ ارسلان و ملکشاه سلجوقی بود. او که در نیمه دوم سده پنجم هجری در خراسان می زیست، مصحفی را به تاریخ ۴۶۶ ق به خط کوفی ساده ایرانی کتابت و تذهیب کرد. روش او در خوشنویسی و تذهیب این مصحف که براساس شیوه رایج زمانه اش بود شایان توجه و تدقیق است. این اثر اکنون در مجموعه آستان قدس رضوی مشهد نگهداری می شود.

گفتنی است، مصحف یادشده به دستور ابوجعفر محمد بن احمد عبدوسی کتابت شده و در آغاز جزء بیست و هشتم، نام حامی در دو صفحه چهار سطر به خط رقاع



سوره الفجر، عثمان بن حنین وراق، قرن پنجم هجری، موزه آستان قدس رضوی
دو صفحه مذهب قرآن، تصویر ۹

تأثیرات شیوه عثمان بن وراق بر دیگران

در مجموعه آستان قدس رضوی، جزء بیست و سوم از مصحفی به خط و تذهیب «محمد بن عثمان» به تاریخ ۶۱۴ق، فرزند یا نوه، عثمان بن ابوسهل وراق موجود است، که اگر رقم او در پایان مصحف ذکر نشده بود، بدون شک به عثمان وراق منسوب می‌گشت. محمد بن عثمان که در خوشنویسی و تذهیب دست کمی از پدر نداشت این مصحف را به شیوه‌ای شبیه به شیوه پدرش کتابت و تذهیب کرده است. تنها تفاوت این دو اثر اندازه صفحه و درشتی و ریزی خط آن است. این مصحف به همراه ۲۹ جزو دیگر آن، بر طبق وقف نامه‌ای به خط کاتب، از سوی «محمد بن ابی دلف حلفوری» ملقب به «شرف»، وقف بر مسجد جامع حلفور از توابع طوس گردیده بود، که در حال حاضر نه از حلفور اطلاعی در دست است و نه از ۲۹ جزو دیگر.



تصویر ۱۱. چند نمونه ترنج حاشیه در مصحف محمد بن عثمان، ۶۱۴ق

اما شیوه محمد بن عثمان در مقایسه با پدرش کامل تر و پخته تر شده است. این نکته از نوع ترکیب بندی خط و تزئیناتی همچون علامت ختم آیات، سجده، ترنج های حاشیه، گره سازی و حتی شکل اسلیمی های آن دریافت کرد.

خط کوفی ایرانی که در این آثار به اوج شکوفایی خود

در کتیبه های سر سوره نیز، نام سوره به خط رقاع سفید آب بر زمینه قرمز عقیقی که در اثر گذر زمان قهوه‌ای شده با چرخش های اسلیمی تزئین شده است.

این شاهکار هنری کم نظیر قرن پنجم هجری ۲۱۳۱ ورق دارد.



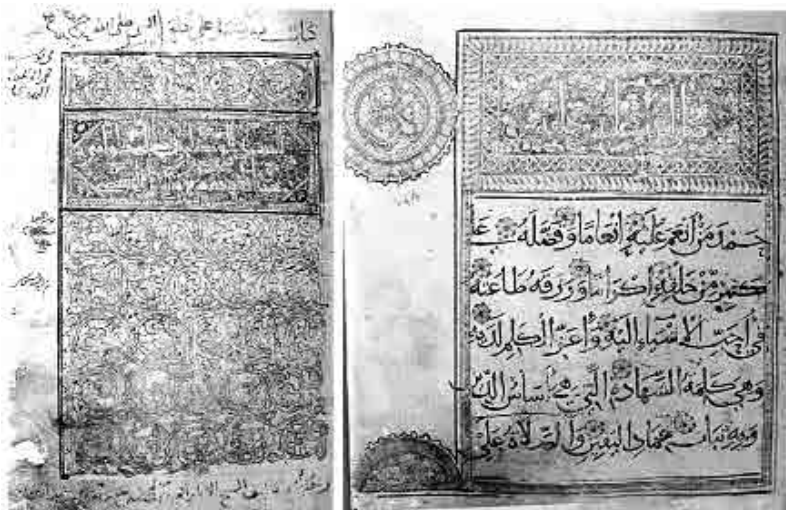
چند نمونه از ترنج های حاشیه مصحف عثمان بن وراق
تصویر ۱۰

که اگر چه جزء های سی گانه آن از حیث خط و جلد و کاغذ یکسان است ولی تذهیب هر جزو با دیگری متفاوت است؛ به طوری که نقش دو ترنج و دو سرسوره با هم برابر نیست. پر کارترین جزو این مصحف جزو سی ام آن است، که دو سر لوح، سی و شش سرسوره، چهل ترنج و دو صفحه تمام تذهیب دارد، که حتی یک طرح آن تکراری نیست. به همین علت بررسی شیوه تذهیب عثمان، با توجه به این تنوع خود می‌تواند موضوع یک تحقیق مفصل باشد. گفتنی است، قرآن مترجم دیگری نیز از این هنرمند در ترکیه شناخته شده که که به لحاظ خوشنویسی و تذهیب اهمیت ویژه ای دارد.

چند مصحف از دوره سلجوقی که در کتابخانه چستریتی دوبلین، موزه ملی ایران (بخش اسلامی)، موزه آستان قدس رضوی مشهد و موزه رضا عباسی نگهداری می شود. ه. قرآن مترجم، احتمالاً خوشنویسی و تذهیب از عثمان بن وراق، محفوظ در کتابخانه توپکاپی، ترکیه

اما از این میان نسخه آداب الخلق النبی اهمیتی ویژه دارد.

این نسخه را ابوبکر محمد بن ابی رافع الوراق در شهر غزنه کتابت کرده است. قطع آن وزیری است و خط آن نسخ که با مرکب سیاه و طلا کتابت شده است. یک صفحه مذهب در آغاز دارد و دو صفحه آغازین آن را با تزئیناتی همچون کتیبه سر لوح و ترنج حاشیه و شرفه لاجوردی تزئین کرده اند. افزون بر این سرفصل های کتاب را نیز با ترنج هایی زرین تزئین کرده اند.



تصویر ۱۳. (راست) صفحه آغازین آداب الخلق النبی، کتیبه مذهب با نقش ترنج درحاشیه. (چپ) صفحه مذهب، همان نسخه، شیوه عهد غزنوی، محفوظ در کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند

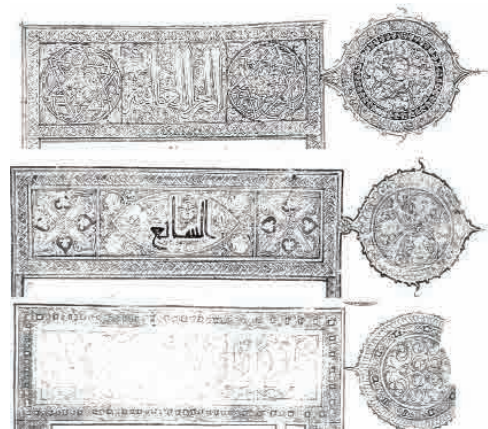
اما نکته شایان توجه اینکه شیوه تذهیب این نسخه کاملاً به مصحف عثمان می ماند و با توجه به کتب «الوراق» در پایان رقم هر دو مصحف، این احتمال که هنرمندان مذهب این دو اثر در یک محدوده زمانی و مکانی مشابه کار تذهیب این دو نسخه را انجام داده اند را قوت می بخشد. همچنین وجود کلمه «غزنوی» و «بغزنه» خود مؤید این نکته است، که هر سه مصحف در دربار پادشاهان غزنوی تهیه شده، که البته این شیوه با عنوان شیوه سلجوقی معرفی شده است.

بحث در خصوص شیوه خوشنویسی آداب الخلق النبی و وقف نامه و رقم مصحف های عثمان و پسرش خود

رسیده بود در حقیقت وام دار تلاش و خلاقیت هنرمندان پیش از آن روزگار بوده است. از آن میان می توان به کهن ترین نسخه قرآن به خط کوفی ایرانی اشاره کرد، که در سال ۲۹۲ ق به خط «احمد بن ابی القاسم الخایقانی» کتابت شده و در کتابخانه چستریتی دوبلین نگهداری می شود. این شیوه در خوشنویسی و تذهیب به دست عثمان بن وراق و پسرش شکوفا گردید و سپس الگویی شد برای هنرمندان دوره های بعد، که بهترین مثال آن مصحف وقفی بر تربت شیخ جامی بوده است. این مصحف در سال ۵۸۴ ق به دست «محمد بن علی النیشابوری اللیثی» برای اهداء به غیاث الدین محمد غوری کتابت شده است. تذهیب این اثر رقم «جمال» دارد که در قرن ششم هجری انجام پذیرفته است.

با توجه به اینکه در گذشته هر کدام از هنرهای وابسته به کتاب آرایی، هنرمندان متخصص خود را داشته، خاندان «وراق غزنوی» بی شک، یکی از مهمترین خاندان های هنرمند در شهر غزنه بوده اند، که آثار یادشده گواه روشنی بر این ادعاست.

این روش کار بعدها در خاندان های دیگر ایرانی همچون روزبهان شیرازی و وصال نیز پیروی شد.



تصویر ۱۲. سه کتیبه سرسوره مذهب، به شیوه عثمان

چند اثر دیگر نیز از آن روزگار به جا مانده که مشخصات آنها چنین است:

- الف. مصحفی کتابت شده در سیستان به تاریخ ۵۰۵ ق، محفوظ در کتابخانه ملی پاریس.
- ب. مصحفی به تاریخ ۵۵۹ ق، محفوظ در موزه دانشگاه فیلالفیا.
- ج. نسخه آداب الخلق النبی، کاتب: ابوبکر محمد بن ابی رافع الوراق، محفوظ در کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند
- د. سه برگ از مصحفی به خط کوفی ایرانی، که در موزه متروپلیتن نیویورک نگهداری می شود، و چند بخش از

علامات و تقسیمات حواشی قرآن در نگاهی کلی، از هارمونی و وحدت خاصی در این مصحف کم نظیر حکایت از بلوغ و شکوفایی هنر کتاب آرایی در قرن پنجم هجری در خراسان دارد. این شیوه خوشنویسی و تذهیب (به ویژه استفاده از ورقه طلا) قرن هاست که به وادی فراموشی سپرده شده است.



تصویر ۱۶. کتیبه سرسوره در مصحف عثمان بن ورق، قرن پنجم هجری

خاتمه

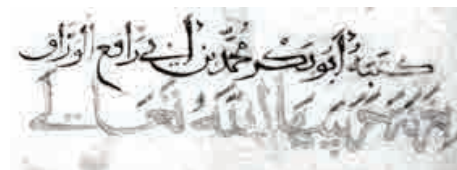
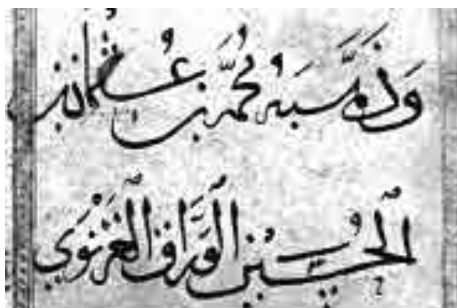
کتاب آرایی عهد سلجوقی در خراسان به واسطه خلاقیت هنرمندان این عرصه و استفاده به هنگام و ترکیب بندیهای بدیع از خطوط کوفی و نسخ در پیوند با نقوش در هم تنیده اسلیمی و تلفیق آنها با نقوش هندسی و ترکیبات رنگی خاص و با شکوه بسیار شکوفا شد. به ویژه استفاده از فن ورق طلا، و قلم گیری های نازک نقوش، و خط کوفی ساده فرصتی بود تا این هنر بیش از پیش رشد و ترقی یابد.

در حقیقت مصحف نگاری در قرن پنجم هجری قمری، سرمشق خط و تذهیب و رنگ آمیزی در هنر کتاب آرایی ایران است و به جرأت می توان گفت، کم نظیرترین و چشم نوازترین اثر این دوره اثر به جا مانده از عثمان بن ورق است که هم به لحاظ خوشنویسی و تذهیب و هم به لحاظ نسخه شناسی از ارزش فراوانی دارد.

فرصتی جداگانه می طلبد، اما همین بس که هر سه نسخه به خطی شبیه نسخ اولیه اما با تمایلاتی به رقاع کتابت شده اند.

این نوع کتابت در کتب علمی قرون چهارم و پنجم هجری نیز بسیار مورد تقلید خوشنویسان آن روزگاران قرار گرفت.

این عقیده که درج علامت آیه، در انتهای جملات در مصحف های دوره اسلامی از شیوه خوشنویسی و تذهیب مانوی متعلق به سرزمین های شمالی خراسان بزرگ در پیش از اسلام بوده، دور از ذهن نیست، اما اثبات آن نیاز به تحقیقات و مدارک بیشتری دارد.



(راست) رقم عثمان بن الحسین بن ابی سهل الوراق الغزنوی: (چپ) رقم محمد بن عثمان بن الحسین الوراق الغزنوی

تصویر ۱۵. رقم کاتب در نسخه آداب الخلق النبی، «ابوکر محمد بن ابی رافع الوراق بخزنه حرمیها الله تعالی» محفوظ در کتابخانه دانشگاه لیدن، هلند

پی نوشت ها

۱. دایرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۱۴، ۷۲۸
۲. ابوریحان بیرونی، صفا، ۴.
۳. دیماند، راهنمای صنایع اسلامی، ۷۹.
۴. ریشارد، کتاب ایرانی، ص ۱۱۳
۵. گلچین معانی، هنر و مردم، ش ۱۵۷، ۴۵.
۶. نوشین نفیسی مجله هنر و مردم (ش ۱۵۰) / ص ۵۱
۷. گلچین معانی، همان، ۵۹-۶۵
۸. ریشارد، همان، ۱۱۵.
۹. دیماند، همان، ۸۱
۱۰. گلچین معانی، ۵۶.

صفحات مصحف عثمان جدول کشی، تسمه اندازی و کمند ندارد، اعراب آن به شنگرف و تشدید و مد و همزه به رنگ سبز زنگاری و نقطه بزر تحریردار، علامت سکون دایره کوچک لاجوردی است و کلمه وقف بشنکرف نوشته شده است.

گفتنی است خط کوفی ساده عثمان و مقلدینش در کتابت مصحف به کار برده اند، زیباترین و در عین حال استوارترین نوع کوفی ایرانی است، که در قیاس با نمونه های خطوط کوفی دیگر نواحی سرزمینهای اسلامی از شکوه خاصی برخوردار است. به ویژه تنوع رنگی در اعراب گذاری و

